

دکتر ایران غازی
گروه جغرافیا - دانشگاه اصفهان

پژوهشی در توسعه اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی
در آستانه دهه پایانی قرن بیستم

AN ANALYSIS OF SOVIET ECONOMIC DEVELOPMENT
AT THE BEGINNING OF 1990

by: Iran Ghazi (ph.D.)

Geography Department of Isfahan University,

The USSR, a Vast country with much diverse resources, was considered an underdeveloped country until a few decades ago. In 1913 the standard of living of the Russian Empire for the majority of the population was very low. It is only during the last 75 years, that this country has changed from one which was basically dependent upon agriculture to an industrialized world power.

This paper analyses the processes of development under the soviet system, to identify the most crucial problems of development in an era of fundamental changes in contemporary soviet Union. Based on these analyses some Projections will be made regarding different aspects of Soviet economic development which are likely to occur.

«تاریخ فردا نظیر تاریخ گذشته به مسیری بستگی دارد که مردم آن را بر
می‌گزینند».

مقدمه:

اکنون حدود سه ربع قرن از بنیانگذاری اتحاد جماهیر شوروی می‌گذرد و در این دوران هفتاد و پنج ساله این کشور از یک سرزمین عمده وابسته به کشاورزی، به یک قدرت بزرگ صنعتی جهان تبدیل شده است. موفقیت‌های اتحاد شوروی در زمینه توسعه اقتصادی چنان عظیم است که اگر آنها را انکار و یا دست کم بگیریم کاری نابخردانه کرده‌ایم. در عین حال نباید دچار اشتباه شده و در ارزیابی موفقیت‌های اقتصادی شوروی زیاده‌گوئی کنیم و

چنین خیال کنیم که پیشرفت سریع این کشور، از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ تا کنون، تماماً ناشی از برتری سیستم کمونیسم نسبت به دیگر سیستمهای سیاسی-اقتصادی جهان است. اگر ادعا کنیم که توسعه اقتصادی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی طی ۷۵ سال گذشته تا حد زیادی ناشی از فرآیند «مسابقه و رسیدن» به قدرتهای پیشرفته صنعتی بوده و تحولات وسیعی هم که رخ داده بیشتر حالت واپس گرایی این کشور در دوران قبل از انقلاب را روشن می‌کند تا کارآیی برنامه ریزی شورایی را، دور از حقیقت نگفته ایم بدیهی است شناخت آنچه در گذشته اتفاق افتاده برای شناخت نسبی تحولات معاصر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله تلاش شده تا برخی از مهمترین فرازها و فرودهای توسعه در شوروی بررسی شود. تا با جمع بندی بعضی از حادترین مشکلات بتوانیم سیمای احتمالی آینده را ترسیم نماییم.

وضعیت توسعه اقتصادی در روسیه قبل از انقلاب

بدون تردید امپراطوری روسیه در ۱۹۱۳ را می‌توان از لحاظ اقتصادی به صورت کشور عقب مانده‌ای توصیف کرد که مهمترین مشخصه آن پایین بودن استاندارد زندگی برای اکثریت وسیعی از مردم بوده است، درحالی که این کشور می‌توانست با داشتن منابع بسیار غنی و کاربرد تکنیکهایی که در سایر قسمتهای اروپا رایج بود، منابع مزبور را به کار گرفته و زندگی مردم را بهبود بخشد. درعین حال نباید نظیر برخی از مفسران امور شوروی گمان کنیم که تمام رشد صنعتی ناشی از عملکرد رژیم شورانی است و قبل از ۱۹۱۷ هیچ پیشرفتی در این کشور وجود نداشته است.^۲ در حقیقت پنجاه ساله آخر دوره تزاری شاهد رشد قابل ملاحظه‌ای در چندین بخش از اقتصاد روسیه بوده است. ولی پیشرفت این کشور در آن دوران در مقایسه با آنچه از ۱۹۱۷ تا کنون به وقوع پیوسته، گُند بوده و مهمتر این که سرعت پیشرفت شوروی نسبت به بلوک سرمایه داری، در نیمه دوم قرن ۱۹، خیلی کمتر بوده است و زمانی که این کشور درگیر انقلاب صنعتی بود و در سال ۱۹۱۳، حدود ۳۰ تا ۴۰ سال از کشورهای پیشرفته عقب بود.^۳

روسیه قبل از انقلاب، کشوری عمده کشاورزی بود و ۸۰٪ از نیروی کار آن در این بخش مشغول بودند. اغلب مردم برای گذران زندگی به کشاورزی وابسته بودند و تولیدات کشاورزی سهم عمده‌ای در صادرات قابل توجه این کشور داشت. مثلاً در این زمان روسیه

یکی از صادرکنندگان بزرگ گندم بود و مقادیر زیادی نیز کتان، کنف، الوار و پوست خز به خارج می فروخت^۴. وضعیت برجسته روسیه به عنوان یک صادرکننده بزرگ تولیدات فوق نشانی از یک اقتصاد قهقرایی است زیرا وجود مازاد محصولات کشاورزی و به ویژه مازاد گندم به علت پایین بودن استاندارد زندگی، قدرت خرید مردم، که نمی توانستند خود مازادهايشان را به مصرف برسانند. همچنین صدور نفت، فلزات مختلف و سایر مواد خام نیز حاکی از پایین بودن سطح صنعتی این کشور بود. واردات ماشین آلات و کالاهای ساخته شده به طور انبوه نشانه دیگری از حالت عقب ماندگی این کشور در آن موقع می باشد.

دوره بین ۱۸۶۰ و ۱۹۱۳ شاهد گسترش چند رشته از صنایع در آن نواحی بود که تا به امروز نیز اهمیت خود را حفظ کرده است. در این دوران ۵۰ ساله تولید ذغال سنگ از کمتر از ۵/۰ میلیون تن در سال به ۲۹ میلیون تن و فولاد عملاً از صفر به ۴/۳ میلیون تن رسید ولی علی رغم این رشد سریع، هنوز روسیه راهی طولانی درپیش داشت تا به دیگر کشورهای اروپایی برسد. به عنوان مثال بریتانیا در سال ۱۹۱۳ سالانه حدود ۲۹۲ میلیون تن ذغال سنگ و ۸ میلیون تن فولاد تولید می کرد^۵. تولید ذغال سنگ روسیه فقط ۶٪ تولید ایالات متحده بود و ارقام مشابه برای نفت ۳۰٪ و فولاد ۱۴٪ بود.

توسعه محدودی که تا سال ۱۹۱۳ حاصل شده بود بشدت به سرمایه خارجی وابسته بود. حتی وقتی روسها خود می توانستند سرمایه گذاری کنند، به سرمایه گذاری در صنایع تمایلی نشان نمی دادند و حداقل نیمی از آن از خارج می آمد و بیشتر تجهیزات جدید و بسیاری از کارخانجات بزرگ در دست شرکتهای اروپایی غربی بود. مدیریت اصلاً کارایی نداشت و کیفیت کالاهای تولیدی چنان پایین بود که صدور آنها مشکل و تولیدات صنعتی عمده در بازارهای داخلی عرضه می شد. نتیجه فقر عمومی و استانداردهای پایین زندگی در روسیه و کم بودن تقاضای داخلی برای کالاهای ساخته شده بود که خود مانع اصلی در راه توسعه اقتصادی این کشور شد.

تولیدات صنعتی نه تنها از نظر کمی بلکه از نظر توزیع جغرافیائی هم بسیار محدود بود. صنایع سنگین عمده و به طور کامل در شرق اوکراین استقرار یافته بودند. در آن جا ذغال سنگ دونباس^{**} و آهن کریویروگ^{**} اساس صنعت آهن و فولاد را تشکیل می داد. ناحیه اورال که

*Donbas. ** Krivoy Rog.

در قرن هیجدهم، یکی از بزرگترین تولیدکنندگان آهن بود و حتی در اواخر قرن نوزدهم نیز بیشترین آهن روسیه را تولید می‌کرد، در سال ۱۹۱۳ به صورت ناحیه‌ای با اقتصاد راكد و رو به افول درآمد بود. صنعت ذوب آهن اورال که کاملاً به ذغال چوب وابسته بود، نمی‌توانست با صنعت آهن اوکراین که از ذغال کک استفاده می‌کرد، رقابت کند. علاوه بر آن آهن اوکراین به مراکز عمده جمعیت در دشتهای اروپا نزدیکتر بود. در زمان جنگ جهانی اول ناحیه اوکراین ۵۶٪ فولاد و ۸۷٪ ذغال شوروی را تولید می‌کرد.^۴

استخراج نفت باکو در ساحل غربی دریای خزر در اواخر قرن نوزدهم بعد مهم دیگری از توسعه اقتصادی روسیه است. این صنعت به صورت گسترده‌ای در دهه ۱۸۷۰ آغاز شد و در سال ۱۹۰۰ این ناحیه ۹۵٪ نفت روسیه را تولید می‌کرد که حدود نیمی از محصول جهانی نفت بود.^۵ ولی با توسعه سریع صنعت نفت در دیگر کشورها، روسیه این موقعیت ممتاز خود را هم تا سال ۱۹۶۰ از دست داده بود.^۶

بخش بزرگی از صنعت کارخانه‌ای در ناحیه‌ای قرار داشت که مسکو در مرکز آن واقع شده بود. از اواسط قرن نوزدهم فعالیت‌های فلزکاری قدیمی، با استفاده از ذخایر آهن محلی و صنایع نساجی که توسعه آن وابستگی زیادی به موقعیت مکانی کتان به عنوان محصول عمده ناحیه داشت، به صورت مدرنی درآمد و توسعه یافت. ناحیه مسکو به صورت یک ناحیه مهم مهندسی درآمد و صنعت نساجی پنبه‌ای به صورت فعالیت عمده درآمد. صنایع نساجی پنبه‌ای برای تامین نیمی از پنبه مورد نیاز خود بر منابع خارجی و عمده آمریکایی وابسته بود و بقیه آن را از آسیای مرکزی تأمین می‌کرد.

در نواحی دورتر از مناطق صنعتی مزبور، بجز صنایع دستی محلی، صنایع کوچکی وجود داشت که مهمترین آنها چند شهر و بندر بزرگ نظیر سن پترزبورگ، اودسا، آرخانگلسک و باطوم (مرکز تصفیه و صدور نفت که با خطوط لوله به باکو وصل می‌شد) بودند.

دوره ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۸

جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ میلادی آغاز شده و در این جنگ ضعف اقتصادی و نظامی امپراطوری روسیه به طرز تکان دهنده‌ای به اثبات رسید و همراه با جنگ‌های داخلی پس از انقلاب ۱۹۱۷ اقتصاد ویرانی را برجای گذاشت. از دوره ۱۹۲۰-۱۹۱۷ معمولاً به

عنوان جنگ کمونیسم یاد می شود که در طی آن، رژیم جدید علاوه بر کشمکش با نیروهای ضدانقلاب داخلی و متحدان خارجی آنها، کوشش کرد تا کنترل دولت را بر تمام فعالیتهای اقتصادی برقرار سازد. صنعت ملی شد و املاک مالکان خصوصی تقسیم و بین رعایایی توزیع شد که مجبور بودند مواد غذایی مورد نیاز دولت را تأمین کنند. فشار بر اقتصاد چنان زیاد بود که در ۱۹۲۰ تولیدات صنعتی و کشاورزی، هنوز زیر سطح تولید سال ۱۹۱۳ بود. در تلاش برای یافتن راه حلی به منظور بهبود این وضعیت اسفبار، «سیاست جدید اقتصادی»، در سال ۱۹۲۱، مطرح شد^۱. در این سیاست فعالیتهای خصوصی به طرز چشمگیری مجاز شمرده شده بود. تعداد قابل توجهی از صنایع کارخانه ای از مالکیت ملی خارج شد، تجارت بخش خصوصی تشویق و تحویل اجباری مواد غذایی به دولت توسط زارعین متوقف شد. در نتیجه تولید کشاورزی و صنعتی افزایش یافت و تا ۱۹۲۷ به سطح قبل از جنگ رسید ولی این وضع دیری نپایید چرا که اقدامات مزبور برخلاف اصولی بود که دولت شوروی سوسیالیستی بر مبنای آن استوار گشته بود. و به جای آن که تحولی درازمدت از سوی حکمرانان شوروی در روشها به عمل آید، صرفاً یک مصلحت اندیشی موقت بود و از ۱۹۲۵ به بعد بخش خصوصی از سوی دولت در معرض تضيیقات روزافزونی قرار گرفت. سال ۱۹۲۸، زمان مشخصی در بازگشت به روش کنترل کامل اقتصاد توسط دولت شوروی تحت لوای سیستم «برنامه های پنجساله» می باشد. از آن تاریخ به بعد چنان که قانون اساسی شوروی بیان می دارد «حیات اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی (USSR)^{*} به وسیله برنامه های دولتی اقتصاد ملی با هدف افزایش سطح بهداشت عمومی، بالا رفتن استانداردهای مادی و معنوی کارگران، استحکام استقلال و افزایش ظرفیت دفاعی شوروی تعیین و مسیر آن مشخص شد^۱».

برنامه های پنجساله ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۶

سه برنامه اول پنجساله به ترتیب برای سالهای ۳۲-۱۹۲۸، ۳۷-۱۹۳۳ و ۴۲-۱۹۳۸ طراحی شده بود که آخرین برنامه ناگهان به علت وقوع جنگ با آلمان در سال ۱۹۴۱، متوقف شد. برنامه های مزبور اصولاً در رابطه با بهره برداری وسیعتر از منابع سوختی و معدنی

*Union of Soviet Socialist Republic.

کشور، توسعه اساسی صنایع سنگین، بهبود ارتباطات و گسترش صنایع مهندسی و شیمیایی طراحی شده بود. تمرکز فعالیتها و نیز صنایع در جهت توسعه صنایع سنگین، الزاماً به این معنی بود که در سایر شاخه‌های اقتصاد، یعنی توسعه کالاهای مصرفی و کشاورزی تلاش کمتری شود. تولید کالاهایی نظیر منسوجات، پوشاک، مواد غذایی و لوازم خانگی بسیار کند بود و در زمان جنگ جهانی دوم سطح تولید این کالاها در مقایسه با سایر کشورهای صنعتی بسیار پایین بود. برنامه پنجساله پنجم (۱۹۴۶-۵۰) تماماً به بازسازی مناطق آسیب دیده در غرب شوروی اختصاص یافت. چرا که قسمت عمده‌ای از ظرفیت صنعتی اتحاد شوروی در این ناحیه، به علت جنگ از بین رفته بود. برنامه ششم (۱۹۵۱-۵۵) گسترش سریع نوسازی نوینی را مطرح ساخت که در آن هم بر صنایع سنگین تاکید شده بود.

برنامه‌های سالهای ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۵

در مارس ۱۹۵۳ عصر ژوزف استالین (۱۹۲۴-۵۳) به پایان می‌رسد و نیکیتا خروشچف از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۴ رهبری شوروی را به دست می‌گیرد. برنامه هفتم که برای سالهای ۶۰-۱۹۵۶ طراحی شده بود. درست همان شرایط برنامه ششم را تعقیب می‌کرد ولی در سال ۱۹۵۷ در اهداف این برنامه تجدید نظر و یک برنامه هفت ساله برای دوره ۶۵-۱۹۵۹ تدوین شد. خروشچف استالین زدایی را در تمام سطوح آغاز کرد و در سال ۱۹۵۶ مخالفت علنی لهستانیها و مجارها با سلطه مسکورا بی رحمانه سرکوب و همزیستی مسالمت آمیز اتحاد شوروی با کشورهای سرمایه داری را توصیه کرد ولی به مجهز ساختن شوروی به اسلحه اتمی ادامه داد و به انقلاب کوبا تحت رهبری فیدل کاسترو کمک کرد، اما در سپتامبر- اکتبر ۱۹۶۲ در مقابله با رئیس جمهور ایالات متحده، کندی، موشکهای شوروی را از کوبا بیرون کشید^{۱۱}. در صحنه داخلی و توسعه اقتصادی، در هدف برنامه هفت ساله ۶۵-۱۹۵۹، نظیر سه برنامه بعد از آن یعنی برنامه‌های ۷۰-۱۹۶۶، ۷۵-۱۹۷۱ و ۸۰-۱۹۷۶، برخلاف برنامه‌های گذشته تولید کالاهای مصرفی و مواد غذایی بیش از هر زمان دیگری الزام آور شده بود چنانکه کاسیگین در سخنرانی خود در بیست و سومین کنگره حزب کمونیست در ۱۹۶۶ چنین می‌گوید:

«تولید کالاهای مصرفی در مقایسه با کالاهای تولیدی برای مدتی طولانی عقب افتاد، سطح توسعه کسب شده در اقتصاد، چنان رشدی در توسعه

کشاورزی برنامه پنجساله جدید (برنامه هشتم) فراهم می سازد که آنرا به رشد صنعتی نزدیکتر ساخته و در داخل خود بخش صنعت هم شکاف بین تولید کالاهای مصرفی و کالاهای تولیدی را کمتر می کند^{۱۲}»

برنامه های هشتم، نهم و دهم (۷۰-۱۹۶۵، ۷۵-۱۹۷۰ و ۸۰-۱۹۷۵):

رشد سریع اقتصادی حاصله در برنامه های دهه ۱۹۵۰ که ۱۰٪ بود در برنامه هشتم (۷۰-۱۹۶۵) به ۵/۴ درصد تنزل یافت در حالی که در همین دوره نرخ رشد اقتصادی ژاپن از ۱۰٪ هم گذشت. افت نرخ رشد اقتصادی در اتحاد شوروی در دهه ۱۹۶۰ نهایتاً متوسط ۵٪ را برای این کشور به دست می دهد^{۱۳}.

در برنامه دهم نیز همان سیاستهای برنامه قبلی تکرار و مقرر شده بود که تولیدات صنعتی از ۳۵ تا ۳۹٪ و رشد وسائل تولید (تجهیزات سرمایه ای) بین ۳۸ تا ۴۲ درصد و کالاهای مصرفی از ۳۰ تا ۳۲ درصد (در برابر ۱۴ تا ۱۷ درصد در کشاورزی) رشد کنند. اهداف رشد برنامه دهم در برخی از شاخه های صنعت عبارت بوده اند از:

ذغال سنگ ۱۵٪، نفت ۳۰٪، گاز طبیعی ۵۰٪، برق ۳۳٪، سنگ آهن ۱۸٪ فولاد ۱۹٪، مهندسی ۵۵٪، صنایع سبک ۲۷٪ و صنایع غذایی هم ۲۷٪. انتظار می رفت که ۹۰٪ افزایش در تولید صنعتی و افزایش کامل در تولید کشاورزی از طریق افزایش بازدهی کار به دست آید. تحقق اهداف فوق نیز نیازمند سرمایه گذاری وسیعی بود و قرار بود که سرمایه گذاری سالانه در ۱۹۸۰، ۲۵٪ بیشتر از ۱۹۷۵ باشد. ارزیابی اقتصادی سالهای ۷۸-۱۹۷۰ نشان داد که کشور ژاپن علی رغم بحران نفتی سال ۱۹۷۳، نرخ رشدی معادل ۵/۵ درصد داشته است در حالی که شوروی که خود یک صادرکننده بزرگ نفت بود طی همین سالها از نرخ رشد ۳/۷ درصد برخوردار شد^{۱۴}.

نگاهی به عملکرد توسعه بخش انرژی که پیوسته در اقتصاد شوروی از موقعیتی کانونی برخوردار بوده است نشان می دهد که این برنامه ها چندان موفقیتی نداشته است^{۱۵}. هدف تولید ذغال سنگ، در پایان برنامه دهم (۱۹۸۰) معادل ۷۹۱/۸۱ میلیون تن بوده است ولی عملاً از ۷۱۶ میلیون تن فراتر نرفت^{۱۶} از سال ۱۹۷۸ به بعد از حجم صادرات نفت سه میلیون بشکه در روز، پیوسته کاسته شد. برای برق اتمی با ظرفیت ۴۷۰۰ مگاوات در ۱۹۷۵، رشدی تا حد ۱۸۴۰ مگاوات در ۱۹۸۰ در نظر گرفته شده بود اما این افزایش در سال

مذکور، از ۱۳۴۶۰ مگاوات فراتر نرفت^{۱۷}. انرژی در توسعه اقتصادی شوروی از چنان اهمیتی برخوردار بوده است که برخی از تحلیل گران، صادرات انرژی این کشور را از مهمترین عوامل رشد اقتصادی می دانند. بنابراین برای ترمیم کاهش صادرات، بایستی ماده دیگری مانند گاز طبیعی جانشین آن می شد که برای این کار شوروی مجبور بود از اعتبارات هنگفت و تکنولوژی کشورهای صنعتی سرمایه داری استفاده کند^{۱۸}.

عملکرد اقتصادی بخش کشاورزی در طول سه برنامه هشتم، نهم و دهم در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱ - محصول کشاورزی اتحاد شوروی (میلیون روبل)^{۱۹}

| سال | محصول | سال | محصول | سال | محصول |
|------|-------|------|--------|------|--------|
| ۱۹۶۶ | ۶۱۰۰۰ | ۱۹۷۲ | ۸۴۰۰۰ | ۱۹۷۸ | ۱۳۰۰۰۰ |
| ۱۹۶۷ | ۸۰۲۰۰ | ۱۹۷۳ | ۹۶۰۰۰ | ۱۹۷۹ | ۱۲۳۵۰۰ |
| ۱۹۶۸ | ۸۱۰۰۰ | ۱۹۷۴ | ۹۴۰۰۰ | ۱۹۸۰ | ۱۲۱۰۰۰ |
| ۱۹۶۹ | ۷۹۰۰۰ | ۱۹۷۵ | ۱۱۲۹۰۰ | ۱۹۸۱ | ۱۲۰۰۰۰ |
| ۱۹۷۰ | ۸۵۰۰۰ | ۱۹۷۶ | ۱۱۷۴۰۰ | | |
| ۱۹۷۱ | ۸۷۰۰۰ | ۱۹۷۷ | ۱۲۳۶۰۰ | | |

• مأخذ:

Hebden, R. E. «The 1982 Soviet Food Programme», Geography, No. 302, Vol. 69, January 1982, P. 62.

در طول یک دوره ۱۶ ساله از سال ۱۹۶۵ به بعد تولیدات کشاورزی شوروی ظاهراً دو برابر شده است. چون روسها ادعا دارند که اقتصادشان تحت تاثیر تورم نبوده است بنابراین امکان بررسی تولیدات کشاورزی شوروی براساس ارزش آن فراهم بوده است. چنان که جدول نشان می دهد وضعیت اقتصاد کشاورزی در پاسخ به شرایط محیطی و دیگر شرایط، نوساناتی داشته است. آنچه که واقعاً موجب نگرانی روسها بوده عدم موفقیت در ادامه پیشرفت از حداکثر مربوط به سال ۱۹۷۸ بوده است. و به همین دلیل است که در مه ۱۹۸۲ کمیته مرکزی حزب کمونیست با فهرست برنامه پیشرفت کشاورزی که در ابتدا در بیست و ششمین

کنگره حزب در مارس ۱۹۸۱ توسط لئونید برژنف پیشنهاد شده بود، موافقت کرد. برژنف در این برنامه به خصوص به برنامه کشاورزی ۱۹۶۵ که مسئولیت اجرای آن را به عهده گرفته بود اشاره می‌کند. هدف برنامه برژنف تلاش برای جلوگیری از افت بیشتر تولید و پاسخ به تقاضای متحول شده مصرف کنندگان بوده است. با بالا رفتن منظم سطح زندگی در اتحاد شوروی پس از دوره استالین، تقاضا برای غذا هم از لحاظ کمیت و هم کیفیت بالا رفته و ذائقه‌ها نیز عوض شده بود. تقاضا برای گوشت، میوه، سبزیجات و لبنیات بالا رفته است در حالی که در سالهای اولیه برنامه‌های توسعه، قوت غالب، نان و سیب زمینی بود. به منظور پاسخگویی به همین نیازهای متحول غذایی وابستگی به واردات مواد غذایی بسیار تشدید شده است چنان که ارزش واردات فرآورده‌های کشاورزی به این کشور، در فاصله سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵، معادل ۳۶۴۷ میلیون دلار و ۵ سال بعد یعنی در دوره برنامه دهم (۸۰-۱۹۷۶) سه برابر و به میزان ۹۸۲۱ میلیون دلار رسیده است.^{۱۹}

به طور کلی از ارزیابی برنامه‌های توسعه اقتصادی شوروی در پایان دهه ۱۹۷۰ می‌توان چنین نتیجه گرفت که این کشور با داشتن ۲۶۳ میلیون نفر جمعیت و تولید ۱۳۷۴ میلیارد تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۷۹ حدود ۱۲/۳ درصد تولید جهانی را داشته در حالی که این نسبت در سالهای پس از جنگ جهانی دوم ۱۲/۵ درصد بوده است. ارقام مشابه برای ژاپن در روندی صعودی، ۴/۷ درصد و ۹/۳ درصد بوده است. ایالات متحده آمریکا نیز در سال ۱۹۷۹ با داشتن ۲۲۰ میلیون جمعیت و ۲۳۶۸ میلیارد دلار تولید ناخالص ملی، ۲۱/۳ درصد تولید جهان را به خود اختصاص داده بود.^{۲۰}

توسعه اقتصادی در سالهای دهه ۱۹۸۰

اقتصاد اتحاد شوروی در حالی به دهه ۱۹۸۰ وارد می‌شود که گرایشات قبل همچنان ادامه دارد. عصر رهبری ۲۱ ساله لئونید برژنف (۸۵-۱۹۶۴) در اواخر برنامه یازدهم پایان می‌پذیرد و با شروع رهبری میخائیل گورباچف در مارس ۱۹۸۵ باب جدیدی از مناسبات اقتصادی-سیاسی در صحنه ملی و بین‌المللی اتحاد شوروی باز می‌شود.

برنامه توسعه یازدهم (۸۵-۱۹۸۰)

به نظر می‌رسد لازم است قبل از بحث درباره عملکرد اقتصادی برنامه یازدهم، مروری

- مختصر بر سیاستهای خارجی دوران برژنف داشته باشیم زیرا از بازتاب چنین سیاستهایی، بر اقتصاد شوروی، به عنوان یکی از علل مهم گرفتاریهایی نام برده شده است که این کشور در عصر گورباچف و در دهه پایانی قرن بیستم با آن روبرو می باشد.
- در اوت ۱۹۶۸ نیروهای نظامی شوروی، تلاشهای آزادیخواهانه چکسلواکی را سرکوب و مهار ساختند.
- تا ۱۹۷۱ اتحاد شوروی همچنان به ارسال تسلیحات سنگین و مشاوران نظامی به مصر ادامه داد.
- در ژوئیه ۱۹۷۲ مصر دستور داد ۲۰۰۰۰ نفر پرسنل نظامی شوروی، مصر را ترک کنند.
- با حمله اکتبر ۱۹۷۳ مصر و سوریه به اسرائیل، شوروی اسلحه بسیاری به این دو کشور فرستاد.
- در ۱۹۷۴ روسها تمامی اسلحه و تجهیزات نظامی را که سوریه در جنگ به کار برده و یا از دست داده بود دوباره تامین کردند و به ارسال اسلحه به مصر ادامه دادند.
- در دهه ۱۹۶۰ و آغاز دهه ۱۹۷۰ شوروی کمکهای نظامی عظیمی به ویتنام شمالی کرد.
- در دهه ۱۹۷۰ شوروی اسلحه و مشاوران نظامی بسیاری به چندین کشور، از جمله الجزایر، آنگولا، سومالی و اتیوپی فرستاد.
- در دهه ۱۹۷۰ تحت فشارهای غرب به ۱۳۰۰۰۰ یهودی و ۴۰۰۰۰ آلمانی، اجازه مهاجرت از شوروی داده شد که بسیاری از افراد برجسته و پیشرو در هنر، ادبیات و علوم این کشور را ترک کردند.
- در ۱۹۷۹ نیروهای نظامی شوروی افغانستان را اشغال و در ۱۹۸۸ پس از ۸ سال جنگ بی فایده به آن پایان داده و نیروهای خود را بیرون کشیدند.
- مسابقات تسلیحاتی بین دو ابر قدرت شوروی و آمریکا که از سالها پیش شروع شده بود در عصر برژنف بشدت دنبال شد به طوری که در نیمه اول دهه ۱۹۸۰ حجم تانکهای شوروی بیش از ۴ برابر ایالات متحده، هواپیماهای جنگی بیش از ۱/۵ برابر، کشتی های جنگی ۱/۵ برابر و زیردریاییها نزدیک به سه برابر ایالات متحده بوده است^{۲۱} (نمودار شماره ۱). در حالی که کارزادخانه شوروی با یک چنین حجم عظیم و تمرکزی به پیش

می رفت کمبود جدی مواد غذایی در آغاز دهه ۱۹۸۰ موجب معرفی برنامه ۸ ساله کشاورزی (۹۰-۱۹۸۲) از سوی برژنف گردید که قبلاً از آن بحث شد. درچنین برنامه ای حجم پیش بینی شده غلات برای سالهای ۸۵-۱۹۸۱، به مقدار متوسط ۲۴۰ میلیون تن بوده است درحالی که رقم عملی ۱۶۰ میلیون تن به صورت رقمی محرمانه در دولت شوروی برای تولید سال ۱۹۸۱ ثبت و وضعیت مشابهی نیز برای ۱۹۸۲ مطرح شده است^{۲۲}. به نظر می رسد اهداف تولید فرآورده های خاص کشاورزی که برای برنامه های ۱۱ و ۱۲ (۹۰-۱۹۸۱) به طور منظمی پیش بینی شده بود، جدول شماره (۲)، با توجه به تجربیات قبلی بخش کشاورزی، چندان صحیح نبوده است چرا که فاصله بین تولید واقعی و تولید پیش بینی شده همچنان ادامه یافت، نمودار شماره (۲)، به طوری که ارزش واردات فرآورده های کشاورزی در مقایسه با رقم برنامه دهم تقریباً ۱/۸ برابر شده و به ۱۶۹۶۹ میلیون دلار رسید.

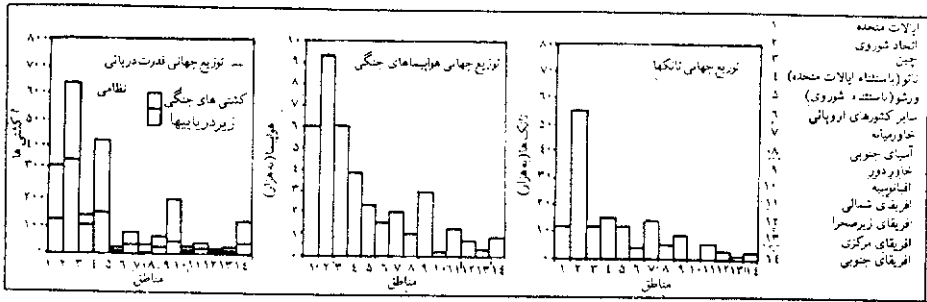
جدول شماره ۲- تولیدات کشاورزی سال ۱۹۸۱ و اهداف برنامه های پنجساله ۱۱ و ۱۲ (۸۵-۱۹۸۱) و (۹۰-۱۹۸۶) برای فرآورده های کشاورزی منتخب (متوسط سال برحسب میلیون تن)

| فرآورده/سال | ۱۹۸۱ | ۱۹۸۱-۸۵ | ۱۹۸۶-۹۰ |
|----------------|------|---------|---------|
| غلات | ۱۶۰ | ۲۳۸-۲۴۳ | ۲۵۰-۲۵۵ |
| چغندر قند | ۶۱ | ۱۰۰-۱۰۳ | ۱۰۲-۱۰۳ |
| سبزیجات | ۲۶ | ۳۳-۳۴ | ۳۹-۳۷ |
| گوشت | ۱۵ | ۱۷-۱۷/۵ | ۲۰-۲۰/۵ |
| شیر | ۸۹ | ۹۷-۹۹ | ۱۰۴-۱۰۶ |
| تخم مرغ (۱۰۰۰) | ۷۱ | ۷۲ | ۷۸-۷۹ |

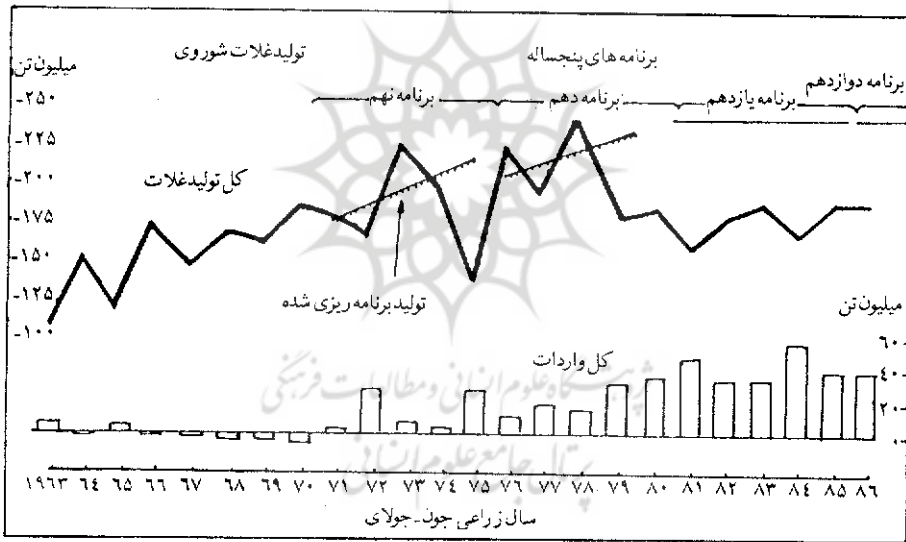
مأخذ:

Hebdon, R. E. «The 1982 Soviet Food Programme», Geography, No. 302, Vol. 69, January 1984, P. 63.

نکته دیگری که تاییدی برمسایل مزبور می باشد آنست که تولید کشاورزی که قرار بود در ۱۹۸۱ معادل ۱۱/۷ درصد بیشتر از سال قبل رشد کند در ۱۹۸۲، ۲٪ دیگر هم کاهش داشته است. رشد صنعت براساس برنامه ۸۶-۱۹۸۱، ۴/۷ درصد تعیین شده بود ولی این رشد



نمودار شماره ۱ - وضعیت قدرت نظامی مناطق مختلف جهان



نمودار شماره ۲ - گرایشات تولید غلات

در سال ۱۹۸۱ فقط ۳/۷ درصد در سال ۱۹۸۲ حتی پایینتر از آن، یعنی ۲/۸ درصد بوده است. گزارش بازدهی نیروی کار در ۱۹۸۱ رسماً ۱/۵ درصد اعلام شده که ۱/۳ مقداری بوده است که در برنامه پیش بینی شده بود.

در زمینه صنعت انرژی، تولید نفت از سال ۱۹۸۳ گرایش نزولی داشته و در ۱۹۸۵ به ۱۱/۲۵ میلیون بشکه در روز در مقایسه با رقم ۱۱/۶۸ میلیون بشکه در روز رسیده است.^{۲۳}

صادرات نفت که در سال ۱۹۷۸ معادل ۳ میلیون بشکه در روز بود، در سال ۱۹۸۲ به ۱/۷ میلیون بشکه در روز رسید. تولید ذغال سنگ که برای پایان برنامه (۸۰-۱۹۷۵)، ۷۹۰/۸۱ میلیون تن برنامه ریزی شده بود، در سال ۱۹۸۱ به ۷۰۴ میلیون تن تنزل کرد. همان طور که قبلاً بیان شد ظرفیت تولید برق اتمی که برای سال ۱۹۸۰ معادل ۱۸۴۰۰ مگاوات برنامه ریزی شده بود، عملاً به ۱۳۴۶۰ مگاوات رسید بنابراین دستیابی به ۳۷۵۰۰ تا ۳۸۵۰۰ مگاوات برق برنامه ریزی شده برای پایان برنامه یازدهم در سال ۱۹۸۵ بسیار بعید و تحقق نیافتنی است.

در چنین شرایط اقتصادی، بخش نظامی از اولویت ویژه ای در تخصیص منابع کمیاب و اعتبارات سرمایه ای برخوردار بوده است. این بخش ۱۲ تا ۱۵ درصد تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص داده است ولی ۳۸ تا ۴۲٪ تولیدات صنعتی شوروی را برعهده داشته است که قسمت عمده آن نیز به کشورهای جهان سوم به ویژه خاورمیانه و شمال آفریقا فروخته شده است.^{۲۴}

در ارزیابی از وضعیت مصرف در جامعه شوروی در برنامه یازدهم، براساس محاسبات فائو، سازمان خوار و بار و کشاورزی جهانی، متوسط مصرف سرانه کالری در سال ۱۹۸۳-۸۵، حدود ۳۴۰۰ کالری بوده که کمی بیش از متوسط مصرف اروپای غربی می باشد ولی باید دانست که این سطح مصرف اولاً از طریق جیره غذایی غلات و فرآورده های دامی (به ویژه ماهی) بوده و سطح مصرف میوه، سبزی و محصولات تبدیلی (با کیفیت بالا) هنوز خیلی پایینتر از اروپا بوده است. کمبودهای اساسی از قبیل کیفیت مواد غذایی نحوه ارائه آن، وجود منظم این مواد، در دسترس بودن کالاهای محدود بودن حق انتخاب برای مصرف کنندگان، جزو مهمترین مشکلات به شمار آمده اند. دومین مسأله قابل ذکر آنست که این سطح مصرف از طریق پرداخت سوبسید بسیار زیاد از بودجه دولت شوروی ممکن شده است مثلاً در ۲۶ نوامبر ۱۹۸۶ دولت شوروی ۵۷ میلیارد روبل سوبسید داده که این مقدار حدود ۱۳/۷ درصد بودجه و ۴٪ تولید ناخالص مواد در سال ۱۹۸۶ بوده است. این تاریخ زمانی است که ۸ ماه از انتخاب گورباچف به عنوان دبیرکل حزب کمونیست می گذشته است. او تحولی اساسی را در اتحاد شوروی آغاز کرد که در مقایسه با عملکردهای استالینیستی و تحولات متأثر از جنگ دوم جهانی بسیار متفاوت است.^{۲۵} تا سال ۱۹۸۷ رهبر شوروی چهار بار با ریگان رئیس جمهور امریکا ملاقات و در این سال در واشنگتن پیمان

دوستی و همکاری امضاء کرد و در ۱۹۸۸ رهبران دو ابر قدرت در مسکو ملاقات کردند.

توسعه اقتصادی اتحاد شوروی در عصر گورباچف

گورباچف در سال ۱۹۸۷ برنامه‌ای از اصلاحات را که مشتمل بر گسترش آزادیها و برقراری دموکراسی در فرآیندهای سیاسی از طریق اعمال سیاستهای درهای باز «گلاسنوست» و بازسازی و نوسازی اقتصادی و سیاسی «پرسترویکا» بود، اعلام کرد. در سال ۱۹۸۹ اولین پارلمان شوروی که از ۱۹۱۸ تا کنون تشکیل نشده بود برپا شد و انحصار سیاسی حزب کمونیست را ملغی و سیستم ریاست جمهوری را دوباره بنیان گذاشته و تقویت کرد و گورباچف را به عنوان ریاست جمهوری اجرایی برای مدت ۵ سال انتخاب کرد. در سالهای ۱۹۸۸، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ به موازات معرفی برنامه اصلاحات اقتصادی-سیاسی گورباچف ناآرامیهای ناسیونالیستی قومی به صورت یک مشکل عمده داخلی بر سر راه توسعه اقتصادی نمودار شد آشوبهای استقلال طلبانه و برخوردهای ناشی از تضادهای فرهنگی منشأ اصلی این ناآرامیها بود که هر بار با اتخاذ سیاستهای متفاوت که غالباً هم با اعزام سرباز و نیروی نظامی شوروی و اعمال خشونت همراه بود خنثی و از تجزیه اتحاد شوروی جلوگیری شد. آشوبهای جمهوری آذربایجان، گرجی (گرجستان)، ناحیه ارمنستان و لیتوانی و ادعای استقلال از سوی جمهوری روسیه با ۱۴۶ میلیون نفر جمعیت و مرکزیت مسکو، تاجیکستان، لتونی و استونی از جمله این موارد می باشند. در غرب جمهوری اوکراین نیز زمینه یک نهضت پر قدرت وجود دارد.

باید دانست که تحصیلات رهبر شوروی در حقوق است نه اقتصاد و اقدامات او در حیطه اقتصاد و سایر زمینه‌ها محافظه کارانه و نوعی اصلاح سیستم اقتصادی بوده است و نه کنار گذاشتن آن. بنابراین پس از گذشت ۵ سال از عصر پرسترویکا یا بازسازی اصول شورایی، هنوز هم سیستم برنامه ریزی مرکزی به قدرت خود باقی است ولی در اوایل ۱۹۹۰ طرح اصلاحاتی ارائه شد که بر مبنای آن اکثر صنایع شوروی، خصوصی خواهد شد. کارگاههای کوچک صنعتی به مردم فروخته شده و شرکتهای بزرگ به کارگران اجاره داده می شود.^{۲۶}

علی رغم همه این سیاستها در پایان تابستان ۱۹۹۰، کمبود کالاها در فروشگاهها تشدید و صفهای طولیلی برای خرید نان در سراسر مسکوبه وجود آمد و باعث افزایش قیمت

نان شد. در مناطق دیگر تظاهرات بزرگی برپا شد و مردم به دنبال مواد غذایی نایاب به فروشگاهها هجوم بردند. این تظاهرات انسان را به یاد تظاهرات مربوط به کمبود نان می اندازد که در به قدرت رساندن بلشویکها در سال ۱۹۱۷، نقش موثری داشت. در عین حال مقادیر زیادی غله به علت کمبود تجهیزات و وسایل، سوخت و وسایل حمل و نقل در مزارع اشتراکی شوروی از بین می رود و مایحتاج دیگری چون صابون و سوخت هم کمیاب شده است.^{۲۷}

تحت چنین شرایطی، جمهوری روسیه به رهبری یلتسین برنامه ۵۰۰ روزه ای را تهیه کرد. موارد مهم پیشنهاد شده در این برنامه عبارت بودند از قانونی شدن مالکیت خصوصی، حذف سوبسیدهای دولتی، حذف کنترل دولت بر قیمتها و رواج بانکهای خصوصی و بازار سهام، نیکولای ریژکف، نخست وزیر شوروی هم برنامه محتاطانه تری مطرح ساخت که در آن برنامه ریزی مرکزی تا حد زیادی حفظ می شود. اما گورباچف در سخنرانی خود در شورای عالی، در سپتامبر ۱۹۹۰ اعلام کرد که «برنامه ریزی مرکزی دیگر وجود ندارد و از بین رفته است». او از برنامه حد واسط بین دو برنامه مزبور سخن راند و در پایان سپتامبر، شورای عالی با طرح مزبور موافقت کرد و به رییس جمهور اختیار داد تا درباره سیاستهای جدید مربوط به دستمزدها، قیمتها، تامین اعتبارات و بودجه، اقدامات لازم را به عمل آورد.

برخی از حقایق آماری اقتصاد شوروی در عصر گورباچف احتمالاً می تواند بهترین دلیل بر تحولات مزبور در سیاست این کشور باشد. واردات غلات نمونه ای از این حقایقند چنان که در سال ۱۹۸۹ واردات گندم، برنج و ذرت به ترتیب ۱۴ میلیون تن، ۶۴۰ هزار تن و ۱۸/۱ میلیون تن بوده است. همچنین با وجود آن که شوروی با ۲/۵ تریلیون دلار تولید ناخالص ملی در سال ۱۹۸۹، دومین قدرت جهان پس از ایالات متحده (تولید ناخالص ایالات متحده ۴/۸ تریلیون دلار) بوده است اما درآمد سرانه آن، ۳۰۰۰ دلار، در مقایسه با کشورهای پیشرفته غربی و ژاپن به ترتیب حدود $\frac{1}{4}$ و $\frac{1}{3}$ می باشد جدول شماره (۳). در حالی که در اروپای غربی و ایالات متحده امریکا کمتر از ۵٪ نیروی کار در بخش کشاورزی مشغول بوده اند، این نسبت در اتحاد شوروی ۲۲٪ بوده که بیش از $\frac{3}{4}$ آنها کارگران غیرماهر بوده اند.^{۲۸}

هرگاه بازدهی نیروی کار در اروپای غربی را شاخص بگیریم این بازدهی در اتحاد شوروی حدود ۴/۷ بار کمتر از اروپای غربی و ۹/۵ بار کمتر از ایالات متحده

بوده است و در مناسبات تجاری با غرب هم در حالی که ۷۱٪ از واردات شوروی از غرب را کالاهای نیم ساخته و مهندسی تشکیل می داده، صادرات این کالاها از شوروی ۱۳٪ است و سهم نفت به تنهایی به ۶۵٪ می رسد. وابستگی صادرات نفت به قیمت دلار و افت ارزش دلار در برابر ارزهای اروپایی در دهه ۱۹۸۰، موجب شده تا مشکلات اتحاد شوروی از سالهای مربوط به دهه ۱۹۷۰ به این طرف چند برابر شود.

جدول شماره ۳- مقایسه عملکرد اقتصادی و درآمد سرانه اتحاد شوروی با چند کشور صنعتی پیشرفته

در ۱۹۸۹

| نام کشور | جمعیت در ۱۹۹۰ (۱۰۰۰ نفر) | تولید ناخالص ملی (میلیون دلار) | درآمد سرانه (یا تولید ناخالص ملی سرانه) بر حسب دلار* |
|---------------------|-----------------------------|-----------------------------------|---|
| اتحاد جماهیر شوروی | ۲۹۰۹۳۹ | ۲۵۰۰۰۰۰ | ۳۰۰۰ (درآمد) |
| ایالات متحده آمریکا | ۲۵۰۳۷۲ | ۴۸۰۰۰۰۰ | ۱۶۴۴۴ (درآمد) |
| آلمان غربی | ۶۰۹۷۷ | ۱۲۰۸۰۰۰ | ۱۹۷۵۰ (درآمد) |
| ژاپن | ۱۲۳۷۷۸ | ۱۸۰۰۰۰۰ | ۱۵۰۳۰ (تولید) |
| فرانسه | ۵۶۱۸۴ | ۹۴۳۰۰۰ | ۱۳۰۴۶ (درآمد) |
| انگلستان | ۵۷۱۲۱ | ۷۵۸۰۰۰ | ۱۳۳۲۹ (تولید) |

* در مواردی که آمار درآمد سرانه در اختیار نبوده است تولید ناخالص سرانه محاسبه و در پرانتز جلوی رقم مربوطه، واژه تولید ذکر شده است.

مأخذ آمار:

Hoffman, Mark. S. (Edi), «The World Almanac And Book of Facts», World Almanac, New York, 1991, PP. 709, 712, 723 And 760 - 765.

بنابراین اتحاد شوروی در سال ۱۹۸۸ مجبور بود سه برابر مقدار سال ۱۹۸۵ نفت بفروشد تا بتواند کالاهای مورد نیاز خود را از اروپای غربی خریداری کند^{۲۹}. وابستگی اتحاد شوروی به کالاها و خدمات خارجی به منظور تحقق اهداف پروسترویکا، آن حقایق تلخی از اقتصاد جهانی را برای شوروی به همراه آورده است که ده ها سال این کشور در برابر آن در لاک خود فرو رفته بود. با توجه به ملاحظات دیگری، شاید نتوان زیاد درباره مشکل ادامه تجارت شوروی با جهان صنعتی غرب بحث کرد و تحت هر استاندارد، آنچه مسلم است آنست

که قروض خارجی این کشور اندک است و منابع آن هرچند که گاهگاهی توسعه اش مشکل بوده است اما عظیم می باشد^{۳۰} و چنانچه مدیریت امور داخلی شوروی صحیح باشد، توسعه واقعی تحقق خواهد یافت. در نظر اصلاح طلبان عصر گورباچف، مشکل توسعه اقتصادی، یافتن راهی برای نفس کشیدن اقتصاد داخلی نیست، بلکه مشکل اصلی به دست آوردن پشتیبانی مردم و حفظ این پشتیبانی در بین تمام اقشار اجتماعی، از حزب گرفته تا کشاورز ساده می باشد که البته این هم کار ساده ای نیست زیرا دوران معاصر، عصری از یک تحول بالقوه متلاطم و مضطرب کننده در این کشور می باشد.

نتیجه

در زمان کارل مارکس و فردریک انگلس، در قرن نوزدهم، طرفداران کمونیسم کتب بسیاری درباره مکتبهای نوشتند که انقلابیون می توانستند برای از بین بردن سرمایه داری و برقراری یک سیستم اقتصاد سوسیالیستی از آن استفاده کنند.

در ۱۹۹۰ نویسنده ای آمریکایی به نام جورج ویل^{۳۱} چنین نوشت:

«تا به حال نه کسی درباره انتقال قدرت در جامعه، از حکومت توتالیتر کمونیسم به یک دموکراسی چیزی نوشته و نه برای انتقال از یک اقتصاد با برنامه ریزی متمرکز به اقتصادی که با تقاضاهای بازار به حرکت درآید راهی را نشان داده و به رشته تحریر در آورده است».

رهبران کشورهای اروپای شرقی و خود اتحاد شوروی می توانستند در ۱۹۹۰ که یک سال مضطرب کننده در جو متزلزل کمونیسم و در گستره جغرافیایی وسیعی از آلمان تا مغولستان بود، از این کتاب استفاده کنند. در نبود چنین وضعیت، همه، از رهبران متفکر گرفته تا تظاهرکنندگان خیابانی در بسیاری از کشورهای بلوک کمونیست ناگهان دست به نوشتن تاریخ خود زدند. در اروپای شرقی تنها سالخوردگان بودند که درباره معنی و کاربرد دموکراسی و اقتصاد بازار آزاد خاطرات بسیاری داشتند. در اتحاد شوروی که هیچ گونه تاریخ مدون مناسبی در این زمینه وجود نداشت، چنین مفاهیمی معنی چندانی را ارائه نمی داد. بنابراین علی رغم برخی تحلیلهای سیاستمدارانه واقعی، به نظر می آید که کل

فرآیند تحول باید تمرینی باشد که در حال حاضر نمی‌توان نظری قطعی درباره آن اظهار کرد. به نظر می‌رسد درجهانی که اکنون در آن ایدئولوژی کمونیسم و اقتصاد دستوری اعتبار خود را از دست داده است مطرح ساختن وجود بیش از یک مسیر به سوی سوسیالیسم در فرآیند توسعه اقتصادی از سوی رهبر نسبه لیبرال شوروی، کاری متهورانه باشد زیرا در ۱۹۹۰ معلوم شد که چندین مسیر در فاصله گرفتن از اقتصاد سوسیالیستی وجود دارد. در عین حال چنین به نظر می‌رسد که با هر تفسیری، این مسیرها سخت مشکل بوده و دارای پیچ و خمهایی است که حرکت در آن تا پایان کار اندکی هراسناک می‌باشد. بنابراین شرط تعقل آنست که محک چنین آزمون مطرح شده در توسعه اقتصادی اتحاد شوروی را در دهه پایانی قرن بیستم برعهده گذشت زمان واگذاریم.

منابع و مآخذ:

- 1- Kerblay, B. H. «Modern Soviet Society», Pantheon, New York, 1983, P. 305.
لازم به یادآوری است که نویسنده مزبور در سال ۱۹۶۸ رساله‌ای عالی تحت عنوان «Les Marchés Paysans En U. R. S. S.» (بازارهای دهقانان در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی) نوشته است که پژوهشی بسیار موشکافانه درباره وضعیت اقتصادی-اجتماعی جامعه دهقانی اتحاد شوروی طی پنجاه ساله ۶۷-۱۹۱۷ می‌باشد. رساله مزبور توسط موسسه انتشاراتی Mouton and Co. در ۱۹۶۸ در لاهه انتشار یافته است.
- ۲- الف: مدودف و دیگران، «چند دیدگاه درباره شوروی»، ترجمه مازندرانی، ع، آگاه، تهران، ۱۳۶۴
- b - Armstrong, J. «Ideology, Politics And Government In The Soviet Union», 3rd Ed, N. Y. Praeger, 1974.
- 3 - Symons, L. etal, «The Soviet Union, A Systematic Geography», Macmillan India Ltd, Banglore, 1983, PP. 40 - 45.
- ۴ - کلیم، ل و دیگران، «جغرافیای اقتصادی»، ترجمه حکیمی، ف، امیرکبیر، تهران، ۱۳۳۸، ص ۴۴۹-۴۳۸
- 5 - Manners, G. «The Geography of Energy», Hutchinson University Library, 1971, PP. 63 And 97.
- 6 - Ratnicks, S. «The USSR Leans on Comrade Coal», The Geographical Magazine, Vol. LIV, No. 4, April 1982, PP. 207 - 212.

- 7 - Encyclopedia Britanica, Vol. 2. P. 1046.
- 8 - Odell, P. R. «Oil And World Power». Pelican Books, 4th Ed, England, 1975. PP. 98- 123.
- 9 - a - Marshesky, J. «Planification» Et Croissance Des Democraties Populaires», Presses Universtitaires De France, 1956. PP. 187- 260.
- الف - مارشفسکی، ژ، «پژوهشی در برنامه ریزی سوسیالیستی»، ترجمه فرهنگ، دکتروم، دانشگاه ملی ایران، ۸۰، ۲۵۳۵، ص ۹۳-۶۹.
- ۱۰ - احمدی، ک، «عدم کفایت ابزارهای نظامی برای حفظ امنیت ملی» (اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال چهارم، شماره ششم، خرداد و تیر ۱۳۶۹، ص ۲۶-۲۲).
- 11- Hoffman, M. S. «The World Almanac» And Book of Facts, World Almanac, New York, 1989. PP. 726- 727.
- 12 - Bater, J. H. «The Soviet Scene», Edward Arnold, London, New York, Melbourne, Auckland, 1989, PP. 282- 289.
- 13 - The Economist, May26, 1982, - January 8, 1983.
- 14 - a- Business Week, July26. 1982.P. 32.
- b - News Week, Feb7, 1983.
- c - South, March, 1983, PP. 14- 15.
- ۱۵ - غازی، ا، «مروری بروضعیت جهانی انرژی» پویش، مرکز پژوهشی دانشگاه اصفهان، سال اول، شماره ۲ و ۳، بهار و تابستان ۱۳۶۳، ص ۷۶-۳۹.
- ۱۶ - غازی، ا، «نگرشی بر ارزیابی ذغال سنگ و انرژی اتمی در جایگزینی نفت» مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد دوم شماره ۱ و ۲، پاییز و زمستان ۱۳۶۸، ص ۱۳۷-۹۹.
- 17 - a - Ratnicks, H. «Soviet Nuclear Energy Without Restraint», Geographical Magazine, October 1979, PP. 1 - 22.
- b - Kelly, W.J. Shaffer, H. L. And Thampson, J. K. «The Economics of Nuclear Power in The Soviet Union», Soviet Studies, Vol. XXXIV, University of Glasgow Press, January 1982, PP. 43 - 64.
- ۱۸ - کاتوزیان، ح، «جنگ تکنولوژی بر سر ساختمان خط لوله سراسری سیبری» دانشمند، شماره ۲۲۹، آبانماه ۱۳۶۱، ص ۱۶۴، ۱۴۰ و ۱۴۱.
- ۱۹ - لیت من، ئی، ال، «سیاست های کشاورزی در اتحاد جماهیر شوروی: مسائل، گرایش ها و چشم اندازها» ترجمه مهاجرانی، م، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، سال چهارم، شماره چهارم، اسفندماه ۱۳۶۸، ص ۵۷-۵۲.
- ۲۰ - دفتر اقتصاد بین الملل و بازرگانی خارجی، «نگرشی بر مسائل و بحرانهای اقتصادی در شوروی»، مسائل و تحولات اقتصادی جهان، سازمان برنامه و بودجه، گزارش ماهانه، ۲۰، اردیبهشت ۱۳۶۲، ص ۱۱-۵.

- 21 - Geographical Magazine, July 1982, PP. 371 - 375.
- 22- Hebden, R. E. «The 1982 Soviet Food Programme», Geography, No. 302, Vol, 69, part 1, January 1984. PP. 62 - 63.
- 23 - Energy Information Administration, «Annual Energy Review», U. S. A. 1989.
- 24- Blake, G. Dewdney, J And Mitchell, J. «The Cambridge Atlas of The Middle East», Cambridge University Press, Cambridge, New York, New Rochelle, Melbourne, Sydney, 1987, P. 111.
- 25 - a - Mc Cauley, M. (Ed), «The Soviet Union Under Gorbachev», St. Martin's Press, New York, 1987.
- b - Yanov, A. «The Russian Challenge, The USSR And The Year 2000». Cambridge University Press, Cambridge, 1988.
- ۲۶ - شاخنازاروف، او. «پروسترویکا و نظریه مبارزه طبقاتی» ترجمه مستقیمی، ب، اطلاعات سیاسی، اقتصادی، سال پنجم، شماره دوم، آذرماه ۱۳۶۹، ص ۲۰-۱۳.
- 27 - Hoffman, M. S. «The World Almanac And Book of Facts», World Almanac, New York, 1991, PP. 35- 37.
- 28 - Colton, T. S. «The Dilemma of Reform In The Soviet Union», Council on Foreign Relations, Revised Ed, New York. 1986.
- 29 - «The Soviet Economy», The Economist, 9- 15 April 1988, P. 13.
- ۳۰ - اتحاد شوروی با داشتن ۳۷٪ از ذخائر گاز جهان دارای مقام اول در دنیا است. همچنین دارای ۱۰٪ ذخائر ذغال سنگ، ۶٪ ذخائر نفت و ۲۵٪ از جنگلهای جهان است. این کشور دارای ذخائر عظیمی از منگنز، جیوه، پتاس، بوکسیت، کبالت، کرم، مس، طلا، سرب، مولیبدن، نیکل، فسفات، نقره، قلع، تنگستن، سرب، روی و نمکهای پتاسیم می باشد. ۱۱٪ از مساحت ۲۲ میلیون کیلومتر مربعی این کشور را اراضی قابل کشت تشکیل می دهد. همچنین در سال ۱۹۸۸ این کشور دارای ۱۱۸ میلیون راس گاو، ۱۴۲ میلیون گوسفند، ۷۷ میلیون خوک و ۱۴۲ میلیون بز بوده و در ۱۹۸۹ مقدار ۱۰/۹ میلیون تن ماهی صید کرده است. برای آگاهی بیشتر به وضعیت منابع شوروی به مآخذ زیر مراجعه فرمایید.
- الف - غازی، ا، «ذخائر نفت جهان» مجموعه مقالات سمینار جغرافی، شماره ۲. بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴ ص ۳۲۷-۳۰۱.
- ب - غازی، ا، «تحلیلی از نقش گاز طبیعی در کاهش بحرانهای انرژی» (مقاله ارائه شده در هفتمین کنفرانس جغرافیایی ایران در اسفندماه ۶۹ در تهران، زیر چاپ در بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد.
- ج - غازی، ا، «تحلیلی از وضعیت حمل و نقل بین المللی نفت»، مقاله تهیه شده در فروردین ماه ۱۳۷۰، زیر چاپ در بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، مشهد.
- d - Hoffman, M. S. Op Cit, 1991, P. 760.